

بیانات در مراسم بیعت فرماندهان سپاه / ۱۳۴۸/۰۳/۱۷

همه‌ی پیامبران و اولیا رفتند؛ چاره‌ی هم جز این نیست. حالا که مقدر بود ما زنده بمانیم، باید طاقت برخورد با این حادثه‌ی بسیار تلخ را هم در خودمان ایجاد کنیم. خداوند به پیامبرش فرمود: «انک میت و انهم میتون»
 گزیری از این‌گونه حوادث تلخ نیست؛ اما خرسندیم که میراث او [امام] در دست ماست و آن، «جمهوری اسلامی» نوام با ارزشهایی است که او در این جمهوری به وجود آورد؛ یا بهتر است بگوییم با ارزشهایی که او جمهوری اسلامی را با آن‌ها ساخت. ما مس بودیم، او ما را طلا کرد. او کیمیا بود، او [امام] اکسیر بود. ما زندگی معمولی‌یی داشتیم، او خمودگی‌ها را تبدیل به تحرک و تپش کرد و انسان ساخت.
 در پیامی به مناسبت یکی از فتوحات ارزنده‌ی شما در جبهه فرمودند: فتح الفتوح، عبارت از ساختن این‌گونه انسانها و جوانهاست. در حقیقت، فاتح این فتح الفتوح، خود او بود. او بود که این انسانها را ساخت. او بود که این فضا را مهیا کرد. او بود که مسیر را به وجود آورد. او بود که ارزشهای اسلامی را بعد از انزوا و خمول، دوباره احیا کرد. میراث او، همین ارزشها و همین جمهوری اسلامی است. هرکدام از ما در هر مسئولیتی که هستیم، عشق و محبت وافرمان را به آن عزیز، باید در حفظ و تداوم ارزشها و نظام جمهوری اسلامی مجسم کنیم.

پیام فرمانده کل قوا به گردهمایی فرماندهان ارتش بیست میلیونی / ۱۳۴۸/۰۹/۰۲

هفته‌ی بسیج، همچنین سرشار از یاد و نام آن بزرگ‌مرد جهان‌داری است که ندای دعوتش همچون صلاک ربوبی در روز الست، فطرتها را مخاطب می‌ساخت و از اعماق جان بلی‌گویان جواب می‌گرفت؛ خود عاشق بود و عاشقانه سخن می‌گفت؛ بنده‌ی سلم خدا بود و دلها را سلم خود می‌ساخت؛ دردمندانه می‌خروشید و دردهای مهلکی را که افیون مخدر شیطانها از یاد آدمیان برده و از درمان محروم ساخته بود، علاج‌جویانه به احساس آنان برمی‌گردانید و به درمان نزدیک می‌ساخت ...؛ یاد و نام امام خمینی بزرگ که خداوند فتح الفتوح تصرف دل هشیاران این ملت و خیل عظیمی از مسلمانان و مستضعفان جهان را نصیب او ساخته بود و او با این سلاح الهی، قلعه‌های تصرف‌ناپذیر استکبار را یکی پس از دیگری گشود و راس استکبار- یعنی امریکای جهان‌خوار- را مرعوب ساخت و تخت امپراتوریهای بی‌منار را متزلزل ساخت؛ مسلمانان جهان را بیدار کرد و هسته‌های مقاومت اسلامی را با دم گرم و صدای امیدبخش خود متشکل ساخت؛ جمهوری اسلامی را پدید آورد و از لابلای هزاران مانع و مزاحم و معارض، به سلامت به اوج اعتبار و قدرت رسانید و خطرناک‌ترین دشمنان آن- یعنی سردمداران نظامهای غربی- را بارها دچار ناکامی ساخت و متولیان نظامهای شرقی را از موضعی استوار و مسلط، به بطلان اندیشه‌های مذهب‌ستیز و انسان‌گریزان هشدار داد، و هنوز یک سال از نامه‌ی پیامبرگون و تاریخی او به راس هرم قدرت دنیای شرق نگذشته، اکنون جهان شاهد فروپاشی نظامهای مارکسیست در سراسر جهان است.

بیانات در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی (ع) / ۱۳۴۹/۰۹/۰۵

بسیج؛ یعنی همین پایگاههای مقاومت و همین نیروهای جوان و پرشور؛ همین جوانانی که در طول تاریخ ما از اول اسلام تا امروز، نظیرشان را به این زیادی در هیچ دوره‌ی نداشتیم؛ همین جوانانی که در عین جوانی و شور جوانی، به جای اینکه مثل جوانان بی‌درد و جوانان معمول همه‌ی مناطق عالم، دنبال عیش و عشرت و عیاشی باشند، دنبال احساس تکلیف و خدمت به خلق و تلاش و کار برای آرمانها و هدفها و دفاع از اسلامند؛ همین جوانانی که با قرآن مانوسند؛ همین جوانانی که نماز و عبادتشان، پدران و مادران پیر را به شگفتی و تعجب وادار می‌کند. خانه‌ی هر شهید که پا گذاشتیم، اغلب پدران و مادران آن‌ها گفتند که ما دین را از این جوانان یاد می‌گرفتیم!
 بله، هنر انقلاب این است، و هنر امام این بود. آن بزرگوار، در جامعه‌ای که دشمن پنجاه، شصت سال به‌طور مستقیم و غیر مستقیم روی آن کار کرده بود، تا آن را به لجنزار فساد بکشاند، کار کرد و جوانانش را مثل گل، پاک و پاکیزه تربیت کرد. خود آن بزرگوار فرمود: این، فتح الفتوح است. بله، فتح الفتوح امام، ساختن جوانان مومن، مخلص، سالم، صادق، بی‌اعتنای به شهوات و دلپایشان متوجه به سمت خدا بود. در طول تاریخ، در این مملکت و یا در سایر ممالک اسلامی، ما چه موقع این‌قدر جوان خوب و صالح، مثل دوران انقلاب داشتیم؟
 مگر دشمن این‌ها را نمی‌بیند؟ دشمن می‌خواهد این‌ها را از دست انقلاب بگیرد. دشمن برای شایع کردن فساد در بین جوانان این کشور، برنامه‌ریزی می‌کند. چه کسی باید در مقابل این اشاعه‌ی فساد بایستد؟ چه کسی باید در مقابل خراب‌کاریها بایستد؟ چه کسی باید در مقابل توطئه‌هایی که دشمن به وسیله‌ی عوامل خود در داخل کشور انجام می‌دهد و ممکن است یک عده آدم ساده‌لوح را هم به دنبال خود بکشاند، بایستد؟ بسیج؛ همین نیروی عظیم.

بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی / ۱۳۴۹/۱۰/۱۰

تمام پیامبران و عباد الله الصالحین، همشان این بوده که انسان صالح را در این زمین به وجود بیاورند، حفظ کنند، رشد بدهند و تکثیر نمایند. هدف اسلام هم این است. اینکه شما دیدید، امام در بیانیه‌ای در چند سال قبل فرمودند، فتح الفتوح انقلاب اسلامی، ساختن جوانانی از این قبیل است، یک حرف نبود که همین‌طور بر قلم امام جاری شده باشد. این، یک مبنای اسلامی و الهی بسیار مستحکم دارد. واقعا فتح الفتوح، یعنی ساختن انسان صالح.
 این بدبختیهایی که شما می‌بینید روی زمین را فراگرفته است و در زیارتها و آثار مربوط به ولی‌عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفدا) آمده است: «کما ملئت ظلما و جورا»
 ؛ زمین در تمام دوره‌های تاریخ، پر از ظلم و جور شده است و می‌شود و آن بزرگوار می‌آید، همه‌ی زمین را از قسط و عدل پر می‌کند، این ظلم و جور روی زمین، بر اثر چیست؟ بر اثر نبود یا کمبود انسان صالح، بر اثر سروری و خدایگانی انسانهای ناصالح.

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۷۰/۰۸/۱۵

شعراهای انقلابی و حرکت کوبنده‌ی امام عالی‌مقام و عظیم‌الشان، کار را بر دشمن مشکل کرد. در بحبوحه‌ی همان موج فسادآفرینی که بر این کشور حکومت می‌کرد، جلوه‌های ایمان و سرسپردگی به دین، باز اول در بین جوانان خود را نشان داد.
 من پدران و مادران متوسطی را می‌شناختم که طاقت همراهی کردن با احساس دینی جوان خودشان را نداشتند؛ حتی گاهی از احساسات دینی و تعبد و زهد و بی‌اعتنایی به دنیا و به خوراک و به آسایشی که در جوانانشان مشهود بود، پیش ما شکایت می‌کردند! آن پدران و مادران، با همان تربیتهای غلط رشد کرده بودند، مسلمان هم بودند؛ اما این جوشش ایمان اسلامی در آن‌ها نبود؛ ولی جوانشان تحت تاثیر تربیت انقلابی قرار گرفته بود؛ به همین خاطر بود که جوانان، خانواده‌ها را پشت سر خودشان می‌کشیدند؛ و این شد که آن قیام عظیم مردمی و آن حرکت بی‌نظیر در عالم یعنی انقلاب اسلامی ما به رهبری امام و با پشتیبانی قاطبه‌ی ملت و با میدان‌داری جوانان به پیروزی رسید. این یک فتح بود؛ هم فتح میدان مبارزه با استکبار بود، و هم بالاتر از آن، فتح سرزمین دل جوانان بود؛ که این را اسلام و انقلاب و امام کرده بودند. و این فتح الفتوح بود. بزرگترین کار امام، ساختن جوانان بود.
 بعد از آن هم در دوران جنگ، باز جوانان بودند که جنگ را با خسران دشمن تمام کردند. این شهدای جوان، این رزمندگان جوان، این دست‌اندرکاران جوان عرصه‌های جنگ، چیزی نیست که اهمیت نسل جوان را در حادثه‌ی سرنوشت‌سازی مثل جنگ از نظر دور بدارد. این حادثه اتفاق افتاد، اما چشمهای طراحان استکبار جهانی همه‌ی صحنه را دید و فهمید که جوان مومن در این کشور، زیر تربیت اسلام انقلابی، چه معجزه‌ها می‌کند.

بیانات در دیدار یگان‌های حاضر در مانور عاشورا / ۱۳۷۲/۰۲/۲۵

برای بنده، حضور در میان شما جوانان عزیز، که بدون هیچ مبالغه امروز زنده‌ی جوانان اسلام و سربازان قرآن محسوب می‌شوید، مایه‌ی خرسندی است و خدا را بر این نعمت سپاسگزاری می‌کنم. همچنان که خدا را بر نعمت وجود امثال شما جوانان مومن و انقلابی و بالاراده و مصمم در دفاع از حق و حقیقت، همیشه سپاسگزارم. نسلی که امروز شما نماینده‌ی آن محسوب می‌شوید و خیل عظیم جوانان مومن و متعبدی که شما نمونه‌های برجسته‌ی آن هستید و بحمد الله، در سراسر کشور حضور دارند، همان کسانی هستند که امام بزرگوار در باره‌ی آنان فرمودند: «فتح الفتوح انقلاب اسلامی، عبارت است از تربیت چنین جوانانی.» واقعا هم همین‌طور است.

بیانات در دیدار جمعی از جوانان / ۱۳۷۷/۰۲/۰۷

به نظر شما چه راه‌هایی برای حفظ ارزشها و انتقال فضای معنوی زمان جنگ به جوانان امروز وجود دارد؟ همین حرف‌هایی که شما زدید، همه‌اش درست است. من هم به همین مطالبی که جناب‌عالی گفتید، اعتقاد دارم و به وجود امثال شما افتخار می‌کنم. بحث اشخاص نیست؛ بحث آن روحیه‌هاست، بحث آن نیت‌هاست، بحث آن حیات مجددی است که این انقلاب و این آزمایش‌های دشوار به کشور ما داد. در قضیه‌ی فتح بستان در سال ۱۳۶۰، امام رضوان الله علیه پیامی دادند، که در آن پیام، تعبیر «فتح الفتوح» بود. بعضی خیال کردند که «فتح الفتوح»، جنگ بستان است؛ اما امام آن را نمی‌گفت؛ امام می‌فرمود: به این مضمون «فتح الفتوح»، فتح یا ساختن این جانهای آگاه و بیدار است. واقعا بزرگترین فتح جمهوری اسلامی این بود که توانست این جوانان را به این مرحله از عظمت و اعتلای روحی برساند که بتوانند احساس خودباوری کنند و بایستند و در مقابل تهاجم عظیم یکپارچه‌ی دنیا، از کشور و از موجودیتشان و از اسلام دفاع کنند؛ که مظهرش جنگ تحمیلی بود و تا الآن هم ادامه دارد.

بیانات در مراسم صبحگاه لشکر سیدالشهدا(ع) / ۱۳۷۷/۰۷/۲۶

مگر یک ملت بدون جهاد می‌تواند سرش را بالا بگیرد؟ مگر یک ملت بدون جهاد می‌تواند طعم عزت را بچشد؟ مگر یک ملت بدون جهاد می‌تواند در میان ملت‌های دنیا شان و موقعیتی پیدا کند؟ «ان الجهاد باب من ابواب الجنه». همیشه همین‌طور است و جهاد دری است از درهای بهشت. هم خلد برین الهی؛ یعنی بهشت نشاء آخرت، هم راحت در این دنیا؛ یعنی جهاد. در همه کشورها و میان همه ملت‌ها هم این‌گونه است که اگر قرار باشد جهاد معنای حقیقی به خود بگیرد، باید در آن، موجودهای الگو و انسانهای نماد وجود داشته باشند؛ بدون نماد و بدون الگو نمی‌شود. خیلی از جوانان مثل یک لشکر تمام نشدنی خدا، از کتم عدم به وجود می‌آیند و وارد صحنه جامعه می‌شوند. در بعضی از کشورها مثل وضع کنونی کشور ما بیشتر و در بعضی از کشورها کمتر. فقط با کتاب نمی‌شود به این‌ها گفت که در راه شرف و در راه آرزوهای بزرگ انسانی و در راه اهداف والا و در یک‌کلمه جامع کامل درست، در راه خدا جهاد کنید. علاوه بر گفتن، به نمونه و الگو احتیاج دارند. افتخار سپاه پاسداران این است که در درون خود از این الگوها، فراوان و بی‌نهایت دارد؛ همین سرداران، همین فرماندهان، همین عناصر گوناگون، همین جوانان پاک و نورانی؛ همانهایی که امام نور آرزو می‌کرد که یکی از آن‌ها باشد؛ همانهایی که در دوران جنگ، تا هرجا و در هر خانه‌ای که عطر معنویت آن‌ها و کلام آن‌ها می‌رفت، آن خانه از لحاظ معنوی، پرفروغ و آباد بود؛ همانهایی که امام پیدایششان را «فتح الفتوح» انقلاب اسلامی دانست. در صدر اسلام، فتح الفتوح، یک حادثه نظامی بود. مسلمانان مدت زمانی در منطقه‌ای از مناطق شرقی آن روز میدانگاه جنگ و غربی امروز ایران، معطل شدند تا توانستند چند دژ را بگیرند. وقتی گرفتند، گفتند این «فتح الفتوح» است. امروز هم در تاریخ، فتح «نهادند» و «جلولان»، به نام «فتح الفتوح» خوانده می‌شود؛ یعنی یک حادثه نظامی. امام ما فرمود فتح الفتوح انقلاب اسلامی، نه یک حادثه نظامی که یک حادثه انسانی است؛ یعنی پیدایش این جوانان، خلق این انسانهای نورانی، بیرون آمدن فرشتگان از دنیایی که جز اهریمن در مناطق مختلف جوانان آن به چشم نمی‌خورد و نمی‌خورد. امروز تا حدودی در گوشه‌هایی از دنیا جلوه‌های نورانی دوباره پیدا می‌شود. فتح الفتوح، این جوانان بودند؛ همین سرداران شهیدی که این لشکر را به وجود آوردند؛ همین سردار «علی فضلی»؛ همین سردار «ناصح»؛ همین جوانان مومن و همین نورانیهایی که نورانیت آن‌ها می‌تواند دل‌هایی را روشن کند. این‌ها مایه شرفند؛ این‌ها مایه عزتند. برای یک کشور، داشتن این‌ها افتخار است؛ بردن نامشان افتخار است؛ تکرار پادشان افتخار است؛ ادامه‌ی راهشان افتخار است. اشتباه است اگر کسی خیال کند اسم جنگ و شلمچه و اینار و سرباز و سپاهی و سردار را نیاورد؛ مبادا وضعی که می‌خواهیم در جامعه به وجود آید، به هم بخورد؛ نه؛ این خطاست. وضع مطلوب، وضع خوب، بنای شامخ، پرچم عزت، دولت مقتدر، ملت سربلند و راه روشن، آن وقتی خواهد شد که مفهوم «جهاد» در حالی که در انسانهای پاک و والا و پیراسته تجسد پیدا کرده است، در جامعه‌ای نیز وجود داشته باشد، و در جامعه ما وجود دارد.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی / ۱۳۷۷/۰۹/۲۵

انقلاب آمد و آن گوهر را به جوانان شناساند. جنگ تحمیلی هم میدانی برای بروز این گوهر تابناک در وجود جوانان شد و الحمدلله بعد از جنگ هم ادامه پیدا کرده است. من به شما می‌گویم بدانید که دشمن، همین نقطه را هدف قرار داده است! اگر نورانی کردن جوانان و متوجه کردن آنها به اهمیت مصرف کردن جوانی در راه ارزشهای والا، نقطه‌ی فتح الفتوح انقلاب است، فتح الفتوح استکبار و ضد حمله‌ی استکبار هم این است که همین نقطه را از جوانان بگیرد؛ باز جوانان را سرگرم فساد، آلودگی، بدفهمی و بخت‌های پوچ و بیهوده‌ی شبه فلسفی کند که هیچ حقیقتی پشت سرش نیست و فقط برای گفتگو کردن و سر و کله زدن و ساعتی وقت گذراندن - بدون این‌که هیچ فایده‌ای در آن باشد - و غافل کردن آنها از حقیقت، از راه زندگی، از آرمانهای انقلاب و از انتظاری که این ملت و انقلاب از جوانان دارد، به کار می‌رود! اگر العیاذ بالله، استکبار نتواند - که نخواهد توانست - مطمئنا نمی‌گذارد دل‌های پاک و فکرهای مصمم و اراده‌های نیرومندی که بحمدالله در کشور ما هم فراوان است، به دشمن فائق آیند. بعضی را دچار آلودگی اخلاقی، بعضی را دچار آلودگی ذهنی، بعضی را دچار دغدغه، دچار افسردگی و دچار نومیدی میکند. هر کسی را به یک نحوی مشغول میکند و سعی دارد این نسل جوان شادابی را که انقلاب به میدان آورد، از میدان پراکنده کند.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی / ۱۳۷۷/۰۹/۲۵

بزرگترین هنر این انقلاب که امام آن را فتح الفتوح انقلاب دانستند، این بود که توانست جوانانی را تربیت کند که در دنیای مادی آلوده و از لحاظ اخلاقی، لیجنزار، انسانهایی با دل‌های پاک و نورانی و با تصمیم‌های راسخ باشند و هوشمندانه و خردمندانه، راه بزرگان بشریت و راه سعادت بشر را انتخاب کنند. هنوز زود است؛ هنوز آن قدری زمان نگذشته است که انسان بتواند چهره‌های منور جوانان این کشور را آن چنان که هست - با همان درخشندگی - ببیند؛ اگر چه از دور ببینند! از دور با فاصله‌های مکانی، تلالوی جوانان ما دل‌هایی را در دنیای اسلام منقلب کرد. در کشورهایی که اسمشان اسلامی بود، اما از گرایش و میل و عزت اسلامی، هیچ خبری در آنها نبود، دختران و پسران بدون این‌که ایران و ایرانی و امام ایران و جوانان ایرانی را دیده باشند، با امواج نورانی که جوانان ایرانی فرستادند، منقلب شدند.

بیانات در دیدار جمعی از اینارگران و خانواده‌های شهدای استان کرمان / ۱۳۸۲/۰۲/۱۲

شما کرمانی‌ها شهدای زیادی دارید؛ اما عمده‌ی شهدای شما متعلق به لشکر ۴۱ ثار الله است. می‌دانید این لشکر یعنی چه؟ یک لشکر مقتدر، شجاع، فداکار و افتخارآفرین. بعضی از بچه‌های شما که در لشکر ثار الله شهید شدند، در شب عملیات و الفجر که عرض ارونند متلاطم را باید طی می‌کردند، ۱۲۰۰ متر غواصی کردند و از این طرف به آن طرف آب رفتند؛ برای اینکه خودشان را به دشمن برسانند. آب در ارونرد، هم از طرف سرچشمه پایین می‌آید؛ هم آب مد دریا از بالا داخل

می‌شود. اروند، معبر عجیبی است. جوان‌های شما لباس غواصی به تن کردند- طوری که دشمن نفهمید- و نه ۱۰ متر و ۲۰ متر و ۱۰۰ متر، بلکه ۱۳۰۰ متر را که عریض‌ترین بخش اروند بود، طی کردند و خودشان را به آن طرف رساندند و توانستند ساحل مقابل را از دست دشمن بگیرند و آن فتح الفتوح عجیب را بیافرینند، که دنیا را منقلب کرد.

در این عملیات، قایق‌های سپاه به طرف ساحل اروند منتقل شد؛ اما دشمن نفهمید. این همه نیرو و این همه امکانات از راه دور پای آب اروند آمد؛ اما دشمن با آن همه تجهیزات، و با آنکه ماهواره‌های امریکا و انگلیس و شوروی کمکش می‌کردند، نتوانست حرکت عظیم سپاه را- که از لشکرهای مختلف این همه نیرو لب آب آورده بود- بفهمد. قایق‌ها را باید بچه‌های لشکر ثار الله کنار ساحل می‌بردند.

یکی از شهدای نامدار این لشکر، کسی است که در طول بیست روزی که این قایق‌ها را محرمانه منتقل می‌کردند، نتوانست استراحت کند. از قول فرمانده محترم- که الحمد لله خدای تعالی او را برای ما نگه داشته و جزو عزیزان ماست- نقل کردند که گفته بود این جوان سه شبانه‌روز چشم به هم نگذاشت و نخوابید. بعد از سه شبانه‌روز که رفته بود در سنگر بخوابد، ماموریتی ایجاد شد؛ رفته صدایش کردم و او را با خودم به ماموریت بردم! این‌ها این‌طوری جهاد می‌کردند.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان / ۱۳/۰۷/۱۳۹۱

وقتی جوانها با آن امید و با آن نشاط و با آن روحیه حرف می‌زنند، فضا، فضای پرنشاطی می‌شود؛ این پیشنهادها غالبا اینجور است. البته این مطالب، سنجیده هم هست؛ یعنی آنچه دوستان بیان کردند، پیشنهادهای خامی به نظرم نرسید.

خب، اصلی‌ترین محور پیشرفت کشور، همین است. امام بزرگوار ما در یک حادثه‌ی مهم جنگی- که خیلی از شماها آن وقت شاید متولد هم نشده بودید- در قضیه‌ی یکی از عملیات که پیروزی‌ای به دست رزمندگان آمده بود، یک پیامی دادند. در آن پیام این نکته وجود داشت که فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی، تربیت این جوانهاست. همه توقع داشتند که امام بگوید این پیروزی‌ای که شما به دست آوردید، فتح‌الفتوح است؛ از آن پیروزی ستایش کند؛ امام نه، از رزمندگان تشکر کردند. اما گفتند فتح‌الفتوح انقلاب ما تربیت این جوانهاست؛ که در آن شرایط دشواری که همه‌ی دنیا در مقابل ما با چهره‌ی دژم و سلاح آماده‌ی شلیک ایستاده بودند، اینها توانستند یک چنین پیروزی بزرگی را به دست آورند؛ عملیات طریق‌القدس بود. من همین را تکرار می‌کنم: فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی اینهاست. پیشرفت واقعی این است که جوانهای ما، نخبگان ما نسبت به آینده احساس مسئولیت کنند؛ برای خودشان دیدگاه تعریف کنند؛ برای کشور آینده‌ای را تصویر کنند و مجسم کنند و احساس کنند و این احساس را اظهار کنند؛ که آماده‌اند برای رسیدن به این آینده، تلاش کنند. این چیزی است که امروز وجود دارد؛ این را باید تقویت کرد، این را باید پیش برد. این احساس و روحیه‌ی نشاط را باید روزه‌روز در جامعه‌ی ما تشدید کرد. اگر این شد، آن وقت این دارائی شخصی شما- این استعداد و این نخبگی که یک دارائی شخصی است- تبدیل خواهد شد به دارائی ملی؛ ببینید چقدر خوب است. یک نفر سرمایه‌ی خودش را به طلا و ارز تبدیل می‌کند و می‌رود توی صندوقخانه‌ی منزل خودش پنهان می‌کند؛ این کجا، آن که می‌آید سرمایه را تبدیل می‌کند به یک صنعت، به یک کارخانه، به یک کار تولیدی باارزش، و کشور را پیش می‌برد، این کجا؟ شما با حرکت در راه این هدفها، این کار دوم را دارید می‌کنید؛ یعنی سرمایه‌ی شخصی خودتان را تبدیل می‌کنید به یک سرمایه‌ی ملی، به سرمایه‌ی ملت ایران؛ این خیلی باارزش است.

□